

درخت در فرش بختیاری

محمود علیمرادی

عضو هیات علمی دانشگاه شهرکرد

دکتر محمدتقی آشوری

عضو هیات علمی دانشگاه هنر

فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره شش و هفت
بهار و تابستان ۱۳۸۶

چکیده

گردیده است. ضمناً سعی شده مفاهیم کلی انواع درخت

به کار گرفته شده مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار
گیرد تا زمینه مطالعات دقیق تر بعدی فراهم آید.

فرش بختیاری به لحاظ ویژگیهای عشایری - روستایی
کمتر از فرشهای شهری مورد مطالعه و بررسی قرار
گرفته است. به خصوص طرح و نقشهای این منطقه با
وجود تنوع و غنای آن چندان شناخته شده نیست.

واژگان کلیدی:

فرش بختیاری، درخت، درخت زندگی، طرح و نقش،
بید، سرو، کاج

در این مقاله با تکیه بر مطالعات میدانی نقش انواع درخت
در فرشهای مناطق مختلف استخراج و طبقه بندی



■ فرش چهار محال و بختیاری

استان چهار محال و بختیاری در ایام قدیم شامل مناطق خوزستان، لرستان و پشت کوه بختیاری بوده است. وجود تپه های اطراف این استان همراه با سفالینه های پراکنده بر سطح آنها و همچنین کشف ابزار آلات مفرغی مربوط به هزاره اول میلادی و همچنین سکه های ساسانی و اشکانی، نشان از قدمت منطقه بختیاری دارد. این استان سابقه طولانی در فرش و قالی بافی داشته و هنر قالیبافی در بین مردم این استان با آداب و رسوم و عقاید و باورهای آنان پیوستگی خاصی دارد. عشایر بختیاری به جهت شیوه خاص زندگی که دائماً در کوچ و بیلاق و قشلاق هستند، برای رفع نیاز های خود از بافته هایی در ابعاد کوچک و با نقوش مختلف هندسی، خیالی و جانوری استفاده می کنند. «در هنر قالیبافی چادرنشینان آنچه مطلوب قالیباف است، تکرار نقشمایه های هندسی واضح و نیز تناوب ناگهانی وزنها و قرینه سازی به طور مؤرّب و قیجاج است». (بورکھات، ۱۳۷۶:۱۳۵)

تاریخ مشخصی برای قالیبافی استان چهارمحال و بختیاری نمی توان بیان کرد زیرا فرش بافی به شیوه ذهنی باف قدمت طولانی دارد ولی سابقه بافت قالی با نقشه در این استان به دوران شاه عباس صفوی می رسد چنانکه بافندگان به جای استفاده از کاغذ شطرنجی، از بادبزنی های حصیری استفاده می کردند. تداخل حصیرها به صورت گلیم باف، کادر شطرنجی ایجاد کرده و بافندگان طرح مورد نظر را با رنگ دلخواه بر روی خانه های بادبزنی کشیده و می بافتند. تاریخ قالیبافی با استفاده از نقشه شطرنجی، به زمان قاجار و حدود دویست سال

پیش می رسد که فردی به نام محمود خان چالش تری» آن را از شهرهایی چون اصفهان و کرمان به چالش تر آورد. از جمله مناطق مهم قالیبافی در استان می توان به چالش تر، شهرکرد، سامان، قهفرخ، دستنآ، شلمزار، جولقان، اردل، بروجن، فرادنبه، لردگان، گهرو، بلداجی، شمس آباد، حاجی آباد، ارزنگ (ارچنک)، بابا حیدر، فارسان، کوهرنگ، بارده، سفید دشت و گندمان اشاره نمود. از طرح های مهم استان، طرح های خشتی، قابی (سرو کاج)، درختی، گل پتو، شرابه، محرابی، محرمات، یلمه، تصویری، لچک و ترنج، گل مینا، گلدانی و طرح های تلفیقی هستند.

■ نماد درخت

از دورترین ایام تصویر درخت به مثابه آینه تمام نمای انسان و ژرفترین خواستهای اوست. این تصویر مثالی، زائیده انبوهی از رموز است که در شاخه های بیشمار گسترش می یابند و خرمن خرمن در بستر اساطیر، ادیان، هنرها و ادبیات ملت های گوناگون می ریزند. در ادبیات و فرهنگ عامه تعبیر فراوانی در باره درخت وجود دارد: جوان، کهنسال، خزان دیده، خزان رسیده، خوش ثمر، موزون، سرکش و... انتساب صفات انسانی مذکور به درخت، ارتباط عمیق میان انسان و درخت و احترام نسبت به درخت را آشکار می کند. انسانها درخت را مانند خود موجود زنده و دارای روح و شعور به شمار آورده و بیش از هر موجود دیگری با درخت همسان پنداری دارند.

بر اثر دادوستدهای متقابل میان تمدنهای انواع و اقسام

درختان قدسی که بر غنای تصویر اولیه می افزایند، پدید آمده‌اند. در بین النهرین درخت زندگی ترکیبی از رستنیهای گوناگون است که مردم آن را به علت طول عمر، زیبایی و سودمندی مقدس می‌شمردند. (دوبوکور: ۱۳۷۳، ۱۳)

از درختان دیگر می‌توان به درخت سدر اشاره کرد که چوبش گرانبهاست و نخل، تاک و درخت انار نماد باروری است. در ایران نخستین نمونه های گیاهی روی سفالها، مهره و سنگها دیده می‌شود. در مفرغهای لرستان - آثار مارلیک و املش و زیویه در عصر مادها و هخامنشیان و پارتها تصویر آیینی درخت را همچنان می‌بینیم. در دوره ساسانیان و در آیین‌های مانی - زرتشتی و مهری درخت، نقش محوری و جایگاه خاص داشته است. شواهد بسیار در دست است که هخامنشیان درختان را مقدس می‌شمردند و نوعی آیین مذهبی برای درخت که در ارتباط با اندیشه و مفهوم پادشاهی بوده، به جا می‌آوردند. پرستش درخت از نقشهایی که بر حجاریهای پلکان تخت جمشید وجود دارد، نیز استنباط می‌شود. ساختمانهای تخت جمشید نیز سراسر آکنده از نماد درخت است. درخت مظهر زندگی بوده و درخت زندگی، مظهر پادشاه (کندی ادی، ۱۳۸۱: ۲۸). زرتشت درختکاری و آبادانی زمین را کرداری نیک می‌دانسته و در اوستا صدمه به گیاهان و درختان را گناه بزرگی می‌داند. هانری ماسه نمونه های زیادی از چنارهای مقدس را در چهار گوشه ایران به نقل از سفرنامه های مختلف آورده است. وی از درختان ناروان و شمشاد نیز به عنوان درختان مقدس و از درختان سرو و زیتون به

■ درخت در قرآن کریم

«الذی جعل لکم من الشجر الاخضر ناراً فاذا انتم منه توقدون» «آن خدایی که از درخت سبز برای انتفاع شما آتش قرار داده تا وقتی که خواهید برافروزد» (سوره یس، آیه ۸۰) ارزش درخت نزد انسان در قرآن با تعاریف مختلفی آمده است. «و در زمین باغها از نخل خرما و انگور قرار دادیم و در آن چشمه های آب جاری کردیم، تا مردم از میوه های آن باغها تناول کنند و از نوع غذاهایی که به دست خود عمل می‌آورند نیز تغذیه نمایند. آیا نباید شکر آن نعمتها را به جای آرند؟»

(سوره یس، آیه ۳۴ و ۳۵) «هر چه در زمین و آسمانها ست همه به تسبیح و ستایش خدای یکتا که مقتدر و حکیم است مشغولند.» (حدید و حشر، آیه ۱) «و گیاه و درختان هم به سجده او سر بر خاک اطاعت نهاده اند.» (سوره الرحمن، آیه ۶) در جایی دیگر اشاره شده است «و هم اوست خدایی که از آسمان باران فرو بارد تا هر نبات





بدان برویانییم و سبزه ها را از زمین برون آریم و در آن سبزه ها دانه هایی که بر روی هم چیده شده، پدید آریم و از نخل خرما خوشه های پیوسته به هم برانگیزیم و باغهای انگور و زیتون و انار که برخی شبیه و برخی نامشابه به هم است خلق کنیم. شما در آن باغها هنگامی که میوه آن پدید آید و برسد به چشم تعقل بنگرید. در آن آیات و نشانه های قدرت خداوند برای اهل ایمان هویدا است.» (سوره انعام، آیه ۹۹)

درخت پای در خاک و سر بر آسمان با سبزیگی انبوه و دگردیسی اش در بستر فصول در نگاه انسان همواره چیزی بیش از نوعی گیاه معمولی بوده است. درخت نماد حیات و در تغییر و تکامل دایم است. بدین اعتبار همواره در شرف تجدید و نو شدن است. برگهای با دوام درختان سدر، سرو و کاج زینت بخش آرامگاه ها و نیز نشانه ممتاز بی مرگی است.

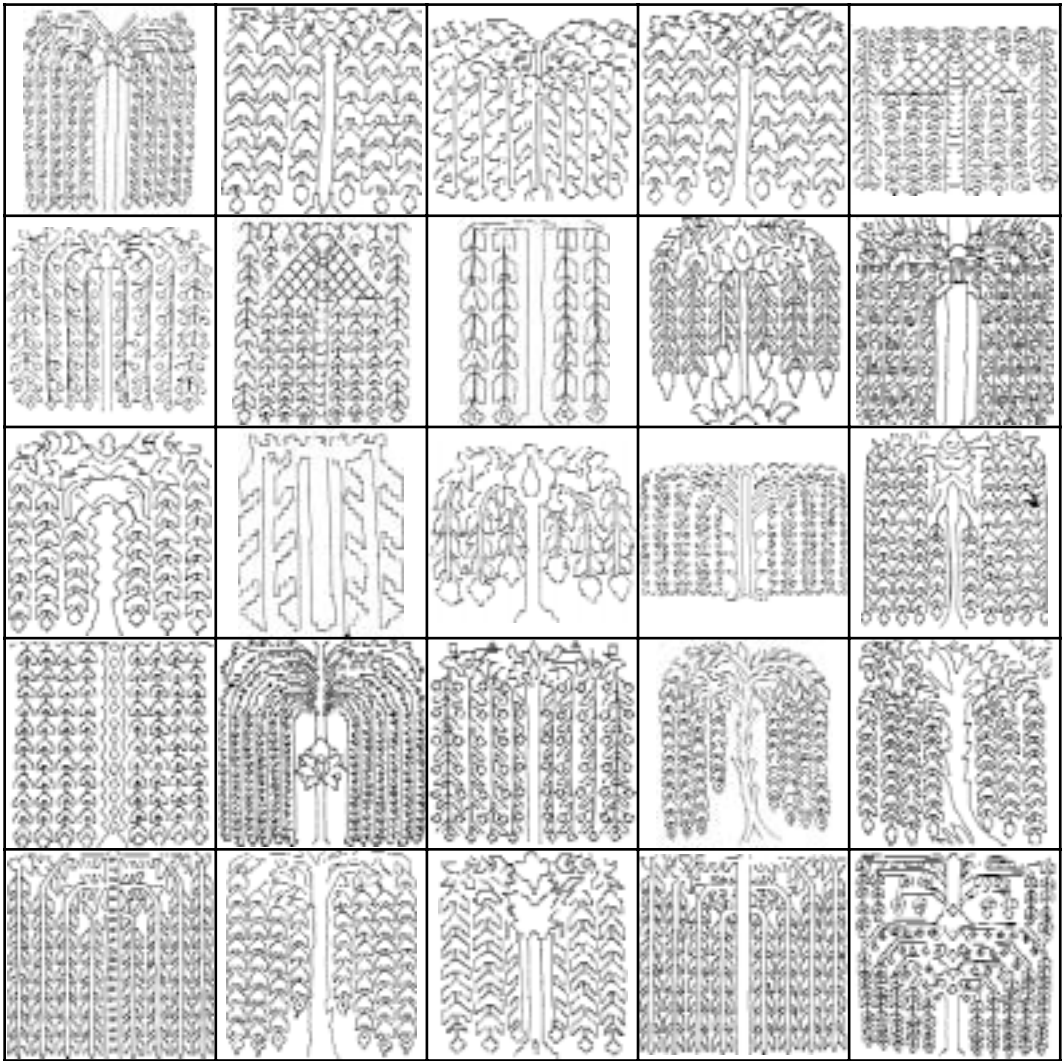
درختان در قرآن نماد قدرت و عظمت خداوندی است. علاوه بر آیات قرآنی، پیامبر و ائمه در احادیث به کرات درباره درختان و میوه های بهشتی مانند سیب، انار، انجیر، انگور و... سخن گفته اند. یکی از رایج ترین احادیث، حدیثی از حضرت محمد (ص) است که می فرماید: « شکستن شاخه درختان همانند شکستن بال فرشتگان است ». «درخت احمدی» که به معنی دودمان پیغمبر اسلام (ص) است و نیز «شجره طیبه» که قرآن مجید از آن به عنوان مثل و نمونه یاد می کند.

متفکران و اهل تصوف می توانستند کل عالم وجود را یک درخت تصور کنند؛ مثلاً ابن عربی از شجره کون یا درخت وجود سخن می گوید. بایزید بسطامی در پرواز

عرفانی خویش «درخت وحدت» را می بیند. «درخت به طور کلی چون ریشه هایش در زمین فرو می رود و شاخه هایش در آسمان بالا می رود، به عنوان نماد ارتباطی میان زمین و آسمانها شناخته شده است.» (شوالیه، ۱۳۸۲: ج ۳، ۱۸۹)

■ درخت در قالیه های خشتی و قابی

بیشتر نقوش به کار رفته در قالیه های خشتی با توجه به سنتها و الگوهای هر منطقه است بعضی از طرحها به گونه ای از حجاریها و نقش و نگارهای روی دیوارها و ستونها، طاقهای بناها و عمارت های تاریخی الهام گرفته، ابتدا تجرید یافته و سپس طراحان و یا بافندگان در فرشهای این منطقه از آن استفاده کرده اند. یکی از مهمترین این نقوش، گونه های مختلف از جمله بید مجنون، تاک، سرو، کاج، درخت زندگی و... است. آقای رضانسوچی (تولید کننده فرش چهار محال و بختیاری) معتقد است که در قالیه های این استان درخت وجود نداشته و تمامی قالیه های این منطقه به صورت ایللیاتی بوده و در زمان شاه عباس صفوی، وقتی آرامنه از گرجستان به این استان آمده و سکنی گزیدند، در بافته های آنها نقش درخت ظاهر شده که در ابتدا در دو منطقه شلمزار و شهرک بافته شد و بعد در مناطق دیگر رونق گرفت. اما آنچه مسلم است این استان در گذشته درختان جنگلی فراوانی داشته که بسیاری از آنها از بین رفته ولی این منطقه هنوز هم سرسبز، پر درخت و حاصلخیز است و بالطبع، طراحان و بافندگان عشایر این استان با درخت بیگانه نبوده بلکه با آن عجین هم بوده اند.



نمونه‌های از تصاویر درخت بید برگرفته از فرش بختیاری



■ بید مجنون

بید مجنون یا بید گریان درختی است خودرو که در استان چهارمحال و بختیاری در کنار رودخانه‌ها، برکه‌ها و گذرگاه‌ها بسیار دیده می‌شود. بید مجنون در فرهنگ و هنر جایگاه ویژه‌ای دارد و طراحان و نقاشان در آثارشان به بهترین شکل از آن بهره‌برده‌اند نقاشانی چون رنه مگریت، ادوارد مانه، آلفرد سیسلی و کلود مونه.

کنار آب و پای بید و طبع شعر و یاری خوش

معاشر دلبری شیرین و ساقی گلعداری خوش

(حافظ)

به یاد زلف نگون سار شاهدان چمن

ببین در آینه جویبار، گریه بید

(ابتهاج)

بید مجنون در افکار و عقاید مردم بختیاری مفهوم زندگی و عمر زیاد دارد. از همین رو مردم بختیاری با این درخت درد دل می‌کنند، پیوند می‌بندند (پیوند سلامتی، پیوند دگر بار باز گشتن، پیوند دیدار دوباره) و قول و قرار می‌گذارند، آن را به شهادت می‌گیرند.

نقش این درخت در بیشتر قالیهای استان به خصوص قالیهای خشتی جایگاه ویژه‌ای دارد که از لحاظ شکل، بسیار ساده و انتزاعی طراحی و بافته می‌شود. شکل درخت بید در بافته‌های خشتی و قابی با یک تنه اصلی در وسط خشت یا قاب قرار گرفته و شاخه‌های آن از دو طرف (چپ و راست) بر تنه درخت افشان می‌گردد. این شاخه‌ها ۴ و ۶ و ۸ و ۱۰ و ۱۲ و ۱۴ عدد بوده که با

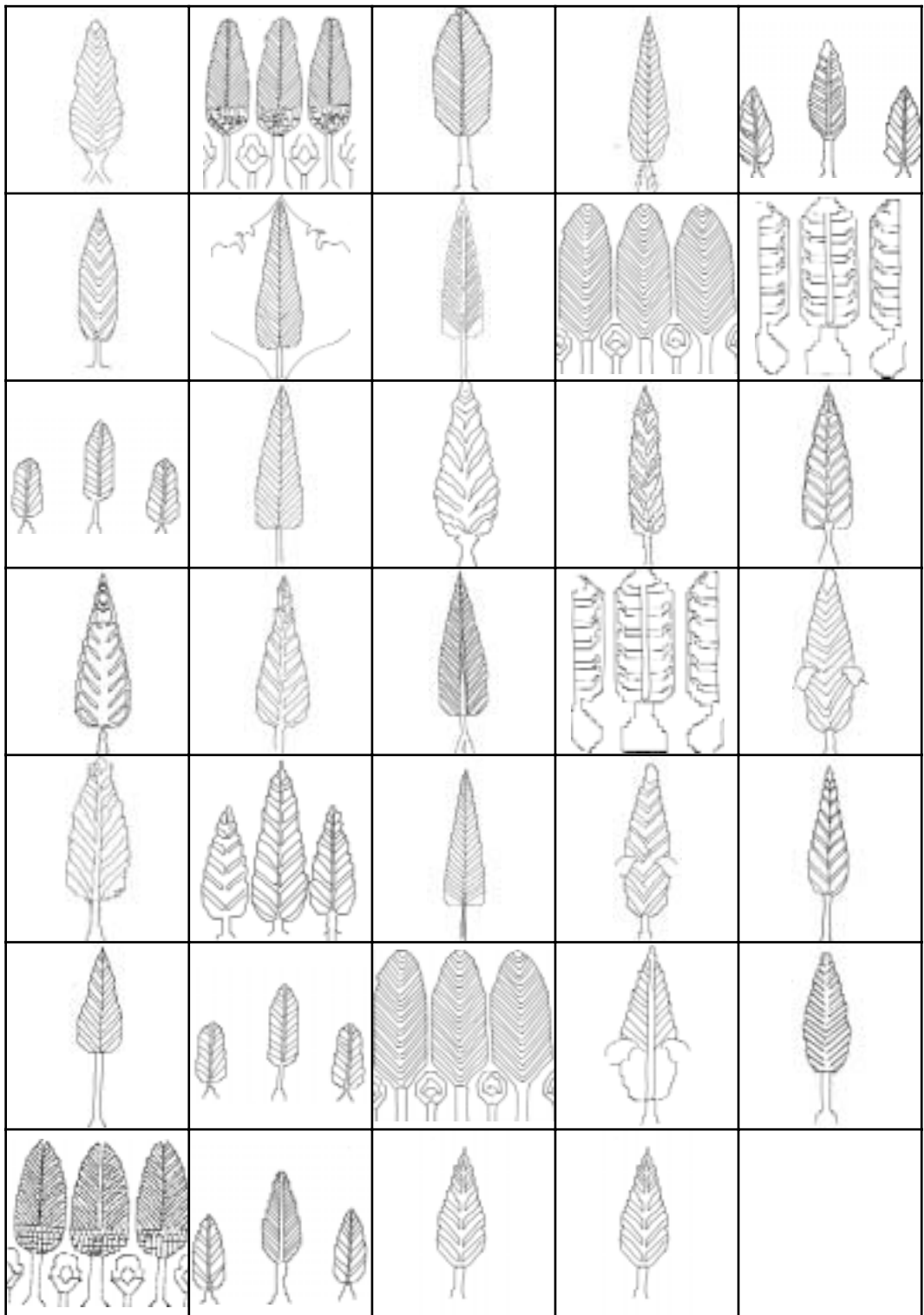
برگهایی در دو طرف هر شاخه طراحی و بافته می‌شوند. این فرم در بعضی از خشتها و قابها به صورت نیمه بافته می‌شوند. در بعضی از این بیدها بر روی تنه و بعضاً در وسط تنه بید، نقش گلی قرار گرفته که در اصطلاح به آن گره می‌گویند.

تصاویر بید را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود. بید با شاخه‌های بیشتر و پر کارتر در فرشهای چالش‌تر، سامان، شلمزار و مناطق شهری که رج‌شمار بیشتری دارد، بافته می‌شود. در روستاها و در فرشهای درشت بافت از بید کم شاخه‌تر استفاده می‌کنند.

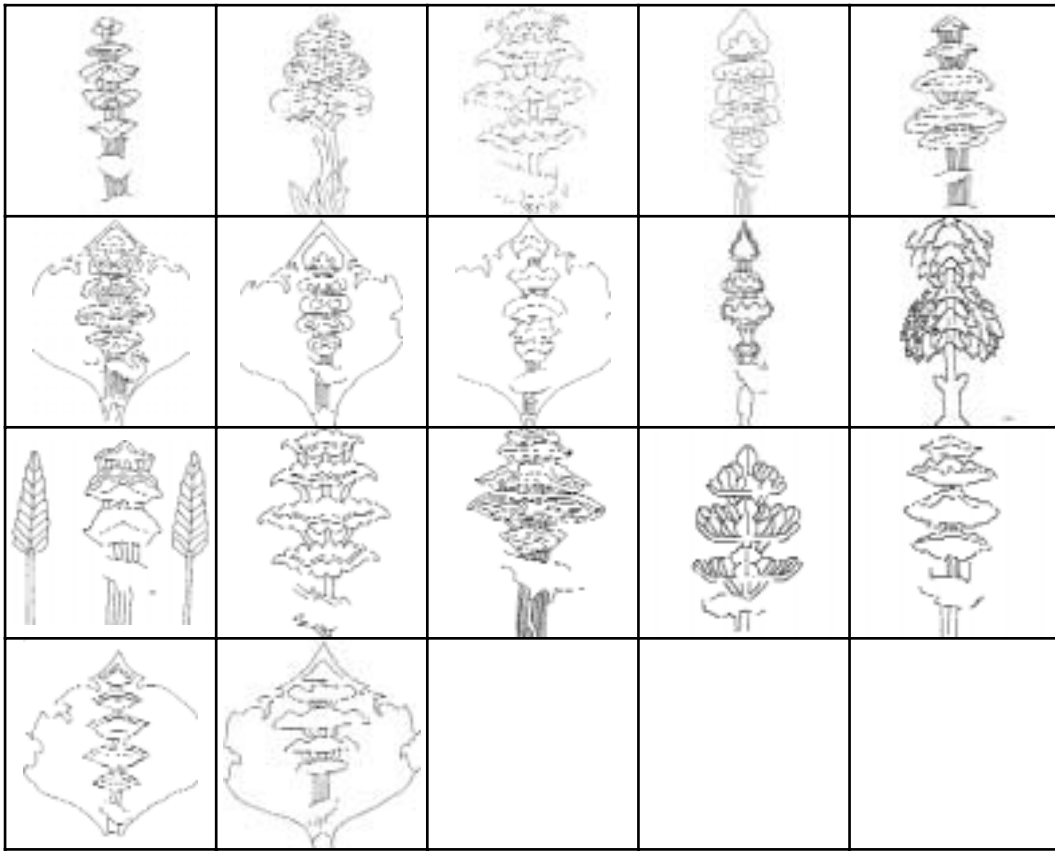
■ درخت سرو و کاج

سرو همانند کاج درختی است که در تمامی فصول سبز بوده و هنگام وزش بادهای شدید انعطاف زیادی دارد. این نگاه که امروز آن را بته هم می‌نامند، پیشینه‌ای بس کهن دارد و در آثاری چون ترمه، زری، مینیاتور، قالی و پارچه و در معماری بسیار دیده می‌شود.

«سر آغاز باور مقدس به سرو، به تمدنهای ایلام و آشور و بالاخره هخامنشی باز می‌گردد. در این مقطع تاریخی، سرو نماد خوشی و خرمی و نیز مردانگی است و یگانه درخت مقدس است. به حکم همین منزلت مذهبی است که در سنگ نگاره‌های تخت جمشید سرو یگانه درخت است و تراش آن در نهایت دقت و ظرافت و با ریزه کاریهای کم نظیر انجام گرفته است.» (پرهام، ۱۳۶۸: ۲۰۷) اما در دوره پارتی و ساسانی سرو تنها درخت مقدس نیست و اندک اندک از صحنه کرشمه نقوش بیرون می‌رود، هر چند منزلت آن همچنان مستدام باقی



نمونه‌های از تصاویر سرو برگرفته از فرش بختیاری



نمونه‌های از تصاویر کاج برگرفته از فرش بختیاری



تصویر ۱ و ۲: نمونه‌هایی از تصویر درخت در نقاشی و حجاری معماری منطقه

مانده، بار رمزی و مذهبی ندارد و صرفاً یک نقشمایه سنتی است. همزمان با ظهور اسلام سرو از ریشه های باستانی جدا شده و به نگاره ای زینتی مبدل و از ماهیت مذهبی خود دور می شود، هرچند براساس شواهد این اعتقاد همچنان پا برجاست. « این استنباط که نقشمایه های سروی پس از اسلام عاری از مفاهیم نمادی و رمزی بوده است قابل تعمیم جغرافیایی نیست ». (پرهام، ۱۳۶۸: ۲۰۸) در دوره صفویه تجسم رمزی و جاودانگی درخت سرو جایگاه بالاتری می یابد و نماد فرمانروایی و قدرت مطلقه می شود و زیور کلاه و تاج شاهان و شاهزادگان می گردد و از حرمت و حتی تقدس برخوردار می شود. ریچارد فرای به ویژگی ایرانیان از حیث پایداری در برابر حملات سهمناک متجاوزان در بین سایر ملل توجه و آنان را با درخت سرو مقایسه می کند.

حافظ به زبان رمز سرو را به دلیل تناسب صورت با معنای استقامت و اعتدال به مثابه انسان کامل که در هستی اش مستوی و معتدل است، می ستاید. نقش سرو و کاج در قالبهای بختیاری با اعتقادات و باورهای مقدس همراه بوده است. امروزه نیز زن بختیاری شوهر خود را در قامت، سرو قوی، مستحکم و آزاده می بیند و دوست دارد بچه ای که در شکم دارد روزی جوانی شجاع، بلند قامت و آزاده چون سرو شود.

■ درخت زندگی

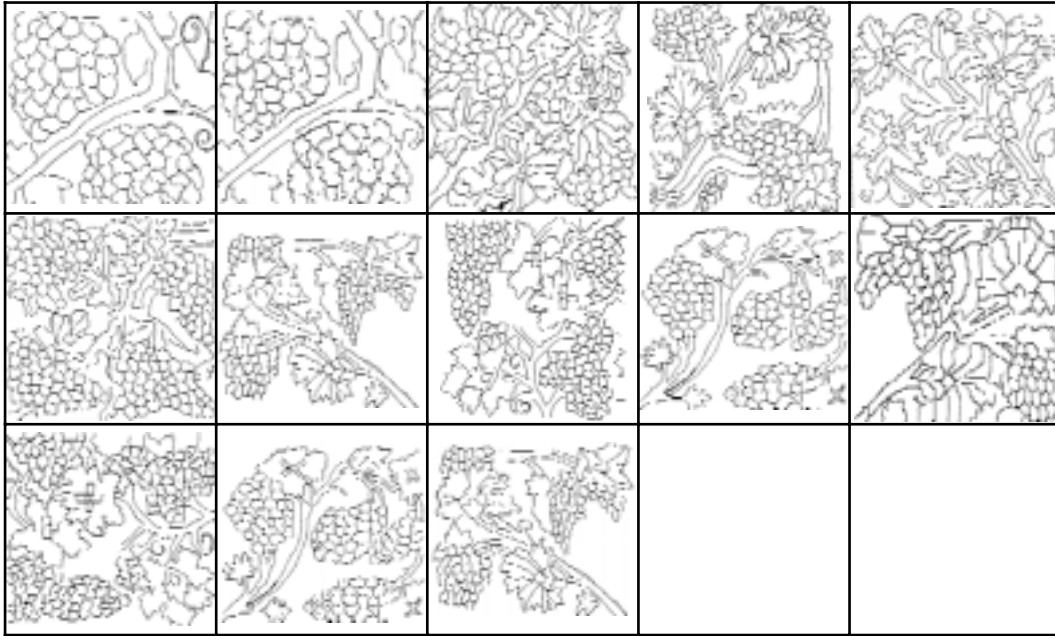
گیاهان بی شماری در پهنه اساطیری انسان پیام رسان بوده اند. کهن ترین گیاهان اساطیری، درخت کیهانی است. در اسطوره ها، براین باور بوده اند که درخت زندگی یا «در اسطوره های ایرانی هومه خدایی است که تندرستی و قوت می دهد و به محصولات و فرزندان برکت ارزانی می دارد. هوم نام گیاهی است که توانایی شفا بخشی دارد. شیره این گیاه قدرتهای ماوراء طبیعی عطا می کند.» (سرخوش، ۱۳۷۳: ۱۷)

درمان کننده، در مینو یا جایی دور از دسترس قرار دارد. گاه قهرمان اسطوره در سفری پر ماجرا و طولانی با خدایان، دیوان یا پدیده های طبیعی می ستیزد تا شاخه، برگ یا میوه ای از آن درخت اسطوره ای را برای بشر به ارمغان آورد. (پرادا، ۲۵۳۷: ۱۴)

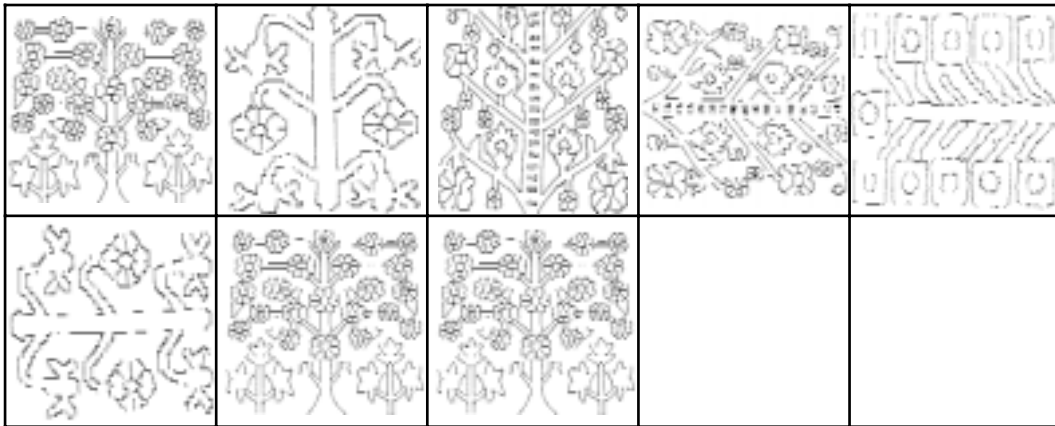
در تصاویر و نقوش درخت زندگی اغلب میان دو راهب و کاهن یا دو جانور افسانه ای قرار دارد که نگهبانان او به شمار می روند. انواع مختلف این صحنه از دوران قبل از تاریخ تا دوره ساسانی نمایش داده شده است. عده ای معتقدند این نقشمایه، تجرید یافته درختی است که یکی از نقوش رایج در آسیای غربی است و به اشکال گوناگون بر روی آثار و مواد فرهنگی مختلف، بیشتر به صورت دو بز، دو انسان یا دو موجود خیالی متقارن که در طرفین این درخت ایستاده اند، دیده می شود. این نقش، نماد درخت کیهانی، تجدید حیات و نماد بی مرگی است. این درخت ظاهراً همان درخت هوم در دیانت زردشتی است. زادگاه این نقش، بین النهرین جنوبی (تمدن سومر) بوده و بعد ها در هنر بابل، آشور، ایلام و به خصوص نزد مفرغ کاران لرستان به عالی ترین شکل خود می رسد. درخت زندگی در دوره هخامنشی، پارتی، ساسانی و دوران اسلامی نیز به اشکال گوناگون در دست ساخته های مختلف دیده می شود.

تندرستی و قوت می دهد و به محصولات و فرزندان برکت ارزانی می دارد. هوم نام گیاهی است که توانایی شفا بخشی دارد. شیره این گیاه قدرتهای ماوراء طبیعی عطا می کند.» (سرخوش، ۱۳۷۳: ۱۷)





نمونه‌های از تصاویر درخت انگور برگرفته از فرش بختیاری



نمونه‌های از تصاویر درخت زندگی برگرفته از فرش بختیاری



درخت زندگی از بالا به زیر گسترش می یابد و خورشید بر سراسرش می تابد. همچنین ریشه شجره طوبی در روایت اسلامی در آخرین طبقه آسمان است و شاخه هایش بر فراز زمین گسترده اند (الیاده، ۱۳۷۲: ۲۷۶) این نقشمایه در مهرها و کتیبه های گوناگون تمدنهای مختلف غالباً مشابه هم است: تنه ای اصلی و نیرومند در وسط و شاخه هایی در دو طرف تنه و نقش گلهایی که در سر شاخه ها قرار دارد. مشابه این نقشمایه در بعضی از قالبهای استان چهار محال و بختیاری به خصوص قالبهای خشتی دیده می شود که به صورت بسیار زیبایی در دل خشتهای قالی جای گرفته و با رج شمارهای مختلف در تمامی مناطق این استان بافته می شود.

تاک یا بوته انگور نیز به لحاظ فراوانی تاکستانها در منطقه و نزدیکی آن با مردم و به لحاظ اهمیت استفاده میوه آن، مورد توجه مردم منطقه بوده و به همین دلیل تصاویری از آن در فرشهای بختیاری به خصوص فرشهای خشتی می بینیم. این نوع درخت در هر کدام از مناطق دارای فرمی خاص است. در بعضی بافته ها با برگهای زیاد و خوشه های کم و در بعضی فرشها با خوشه های زیاد و برگهای کمتر است.

■ فهرست منابع

۱. بورگهات، تیتوس، هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۶.
۲. پرادا، ادیت، هنر ایران باستان، ترجمه یوسف مجید زاده، تهران: دانشگاه تهران، ۲۵۳۷.
۳. پرهام، سیروس، دستیافهای عشایری روستایی، جلد اول، ۱۳۶۴.
۴. دوبوکور، مونیک، رمزهای زنده جان، ترجمه جلال ستاری، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۳.
۵. شوالیه، ژان، فرهنگ نمادها، ترجمه سودابه فضائلی، تهران: ۱۳۸۲.
۶. کندی، ادی، آیین شهریاری در شرق، ترجمه فریدون بدره ای تهران علمی فرهنگی، ۱۳۸۱.
۷. گوستاو یونگ، کارل، انسان و سمبولهایش، ترجمه ابوطالب صارمی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲.
۸. ماسه، هانری، معتقدات و آداب ایرانی، مجله تاریخ و فرهنگ ایران ترجمه مهدی روشن ضمیر تبریز: شماره ۲۶ سال ۲۵۳۲.

■ منابع تصاویر:

کلیه عکس ها از محمود علیمزادی است.



فصلنامه
علمی پژوهشی
انجمن علمی
فروش ایران
شماره شش و هفت
بهار و تابستان ۱۳۸۶

